

میزان تأثیرگذاری رسانه‌های اجتماعی و مجازی بر فرآیند دموکراتیزاسیون

(مطالعه موردی دولت حزب عدالت و توسعه ترکیه (۲۰۰۲ تاکنون))

دکتر حسن صادقیان^۱

دکتر عباس اسدی^۲

چکیده

در جهان امروز، رسانه‌های اجتماعی و مجازی [تقریباً] یکی از ارکان اصلی ساحت سیاست و سیاست‌ورزی محسوب می‌شوند؛ چرا که هم ساختار سیاسی و هم سوژه‌های انسانی از این ابزارها در جهت تأمین اهداف و منافع خویش استفاده می‌کنند. مع الوصف در خصوص تأثیرات مثبت و یا منفی رسانه‌های اجتماعی و مجازی در فرآیند دموکراتیزاسیون بحث و تردید وجود دارد؛ این رسانه‌ها، در عین اینکه به لحاظ ذاتی و محتوایی، کارکرد متعارض «خدمت و خیانت» دارند؛ به لحاظ عرضی و جانبی کارکردشان به «ماهیت نظم سیاسی»، بستگی دارد. تأکید پژوهش حاضر این است که تأثیر عوارض جانبی بر کارکرد ضعیف (شکننده) و گاهاً منفی رسانه‌های اجتماعی و مجازی در فرآیند دموکراتیزاسیون، بیشتر از عوارض ذاتی است؛ چرا که ماهیت غیردموکراتیک نظم سیاسی امکان شکل‌گیری فضای عمومی و برقراری ارتباط میان فضای مجازی و واقعی را نمی‌دهد. مطالعه موردی دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه ترکیه (۲۰۱۹-۲۰۰۲) تأیید کننده این مدعا است.

واژگان کلیدی: رسانه اجتماعی - مجازی، دموکراتیزاسیون، فضای عمومی، نظم سیاسی، ترکیه

بیان مسئله

رسانه‌های اجتماعی و مجازی تقریباً پدیده‌ای جدید هستند که عملکرد مثبت و یا منفی این رسانه‌ها در فرآیند دموکراتیزاسیون، محل بحث و تردید می‌باشد. طوری که برخی از دانشمندان و نظریه‌پردازان حوزه سیاست و ارتباطات معتقدند تأثیرات رسانه‌های اجتماعی بر سیاست همچون تأثیرات این رسانه‌ها بر دیگر حوزه‌ها، تلفیقی از «خدمات و خیانت‌ها» است؛ به این معنا که رسانه‌های اجتماعی از یک سو، می‌توانند تأثیرات مثبتی نظیر نظارت پیوسته بر عملکرد قدرتمندان، شفافیت بیشتر سیاسی، فراخواندن گروه‌های حاشیه‌ای به کنشگری سیاسی، مشارکت بیشتر شهروندان در انتخابات، تنوع نگرشی و اندیشگانی به مقوله سیاست و ... داشته باشند. از سوی دیگر، می‌توانند تأثیرات منفی همچون در اولویت قرار گرفتن سرگرمی، ابتذال سیاسی، تضعیف دولتمردان و سیاستمداران، عرفی شدن عرصه سیاست و ... بر جای بگذارند. (گودرزی، ۱۳۹۷)

^۱ نویسنده مسئول؛ دکتری جامعه‌شناسی سیاسی؛ دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی. آدرس ایمیل:

hasansadeqiyankumar@gmail.com

^۲ دانشیار روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبائی

مع الوصف در بحث دموکراتیزاسیون و تحکیم دموکراسی، نظریه پردازان مشهوری همچون هابرماس معتقدند رسانه‌های اجتماعی کمکی به بهبود فرآیند دموکراتیزاسیون نکرده‌اند. هابرماس در مصاحبه با «فرانکفورتر روند شاو» در جواب این سؤال که «فضای مجازی به دموکراسی کمک کرده است یا خیر؟» می‌گوید: «خیر». به زعم او اساساً فضای عمومی شکل نمی‌گیرد؛ زیرا نقطه اتصال مشترک برای حضور آدم‌های مختلف این است که می‌پذیرند بخشی از حقیقت در دست دیگری است و این امر در فضای مجازی شکل نمی‌گیرد. (رحمانی دهکردی، ۱۳۹۴) از دیدگاه هابرماس فضای عمومی در جایی تشکیل می‌شود که سه ویژگی «کرامت انسانی»، «گفتگو» و «عقلانیت» وجود داشته باشد. حوزه عمومی عرصه فکر، گفتگو، استدلال و زبان است. حوزه عمومی نمودی است از اصول رابطه متقابل و مباحثه انتقادی و فضایی است برای تفاهم از طریق مباحث عمومی و همچنین فضایی است برای برابری، عقلانیت و درک متقابل، استدلال مبتنی بر تبادل گفتاری. (بوستانی و پولادی، ۱۳۹۶: ۱)

«یونگ چول هان» یکی از متفکران مطرح آلمان در عرصه حیات رسانه‌ای، از جدی‌ترین منتقدان هنجارهای فرهنگی تجویز شده توسط نئولیبرالیسم است.

هان در کتابی به نام «روان سیاست» (Psychopolitik) نئولیبرالیسم و روش‌ها و شگردهای تازه‌ی این نظام برای اعمال سلطه را کاویده است. وی در این بافتار به شبکه‌های ارتباطات دیجیتالی اشاره می‌کند که در آغاز از آنها به عنوان «رسانه‌ای برای آزادی بی‌مرز» استقبال شد. اینترنت القاکننده‌ی آزادی و تحرک بی‌مرز بود. اما این خوشبینی اولیه یک توهم بود. «آزادی و ارتباط بی‌مرز» به «کنترل و نظارت مطلق» تبدیل شده است. شبکه‌ی ارتباطات دیجیتالی، دستیابی به اطلاعات را چنان آسان کرده که «اعتماد» به عنوان پراتیک اجتماعی اهمیت خود را از دست داده است. هر «کلیک» ما ثبت می‌شود و هر گامی که در فضای مجازی برمی‌داریم قابل تعقیب است. ما همه جا ردپای دیجیتالی خود را می‌گذاریم و همه‌ی زندگی دیجیتالی ما در شبکه ثبت می‌شود. بر این پایه می‌توان گفت که نظارت و کنترل، بخش‌هایی جدایی‌ناپذیر از ارتباطات دیجیتالی هستند. نه فقط سرویس‌های اطلاعاتی حکومتی از ما جا سو سی می‌کنند، بلکه شرکت‌های غول‌آسای اینترنتی هم با پرتو افکندن بر زندگی ما و شفاف کردن آن، سود خود را تضمین می‌کنند. به این ترتیب امکان پروتکل‌برداری کامل از زندگی ما فراهم آمده است.

به باور هان، جامعه کنترل دیجیتالی بطور مستمر از آزادی بهره‌کشی می‌کند و چنین جامعه‌ای ممکن شده است؛ زیرا بازیگران صحنه‌ی دیجیتالی در توهم آزادی بسر می‌برند و از این رو داوطلبانه شبکه را با انبوهی از اطلاعات درباره‌ی خود تغذیه می‌کنند و خود را به نمایش عمومی می‌گذارند. شفاف‌سازی خویش‌نماندن از شفاف‌سازی بیگانه مؤثرتر است، درست مانند استثمار خویش‌نماندن که از استثمار بیگانه بهره‌وری بیشتر دارد و تازه با احساس آزادی نیز همراه است.

به اعتقاد هان، نئولیبرالیسم از هر «شهروند» یک «مصرف‌کننده» می‌سازد. آزادی شهروند در برابر انفعال مصرف‌کننده رنگ می‌بازد. انتخاب‌کننده‌ی امروز که به مصرف‌کننده تبدیل شده، علاقه‌ای واقعی به سیاست ندارد. او در قبال سیاست واکنشی انفعالی دارد و به غر زدن و گلایه کردن بسنده می‌کند، درست مانند مصرف‌کننده‌ای که از کالا یا خدمات معینی ناخشنود است. سیاستمداران هم از همین منطق پیروی می‌کنند. آنان نیز صرفاً باید کالایی عرضه کنند. از این رو به «عرضه‌کنندگانی» تبدیل می‌شوند که باید مشتریان خود را خشنود سازند. اما شفافیتی که امروزه از سیاستمداران مطالبه می‌شود، خواسته‌ای سیاسی نیست. از آنان خواسته نمی‌شود که در روند تصمیم‌گیری‌های سیاسی شفاف باشند، از آنان خواسته می‌شود که خود را عریان سازند، ما سک از چهره بگیرند و ر سواپی آفرینی کنند. لازمه‌ی خواست شفافیت،

تماشاگرانی است که خواهان نظاره کردن رسوایی‌ها هستند. این، رویکرد یک شهروند متعهد نیست، بلکه رویکرد یک نظاره‌گر منفعل است.

به طور کلی به باور هان، ما وارد یک عصر «روان‌سیاست دیجیتال» شده ایم که در حال گذار از «نظارت منفعلانه» به «هدایت فعالانه» است. این امر ما را در بحرانی دیگر فرو می‌برد. اکنون خود اراده‌ی آزاد در معرض خطر است.^۳ (محیی، ۱۳۹۸)

«آسرا آرسان» استاد دانشگاه «بیلگی» ترکیه و از صاحب‌نظران حوزه رسانه هم معتقد است: «فضای مجازی بخشی از جامعه مدنی ترکیه را به انفعال کشانده و رویکرد محافظه‌کارانه و منفعلانه‌ی آنها نسبت به مسائل سیاسی افزایش یافته است؛ طوری که اصحاب رسانه در ترکیه به یک نوع بیماری روانی «خودسانسوری» دچار شده‌اند. جامعه مدنی ترکیه در سال‌های قبل از ۲۰۰۰ [نسبت به امروز که در عرصه رسانه و مطبوعات پیشرفت چشمگیری داشته است] در سپهر سیاسی – اجتماعی ترکیه فعال‌تر بودند. (Şen, 2012:173)

دکتر عباس اسدی از نظریه‌پردازان مهم حوزه روزنامه‌نگاری و مطبوعات در ایران هم معتقد است جامعه رسانه‌ای و مطبوعاتی ایران به دلیل اینکه «بی‌آرمان» است؛ نه تعادل دارند و نه سایه، نه حرف دارند نه فراحرف، نه موج دارند نه نیرو؛ لذا نباید انتظار داشته باشیم درباره سیاست، اقتصاد، معشیت، عزت، قانون، جامعه فردا و غیره حرف بزنند، تحول آفرین باشند، صدای عدالت را بگسترانند و به فرآیند دموکراتیزاسیون کمکی کنند. آنها نه راه فردا را نشان می‌دهند نه طلیعه امید را؛ نه دیده‌بان امروز هستند و نه روشنگر فردا؛ نه کلید دارند و نه نکته و امید؛ نه صدای زنان دارند و نه صدای زنده و نه نسیم بیداری دارند و نه صفیر حیات و قس علی هذا. (اسدی، ۱۳۹۶)

دکتر رحمانی دهکردی از دیگر صاحب‌نظران حوزه رسانه و سیاست در ایران، با ذکر برخی از ویژگی‌های عرصه رسانه و فضای مجازی نظیر «افزایش نقاب‌ها و هویت‌های سیال و دوزیستی»، «کاتالیزور بودگی»، «تأثیرگذاری موقتی و ضعف توان اجتماعی»، «تقلیل رفتار انسانی به حداقل نیازهای انسانی»، «فقدان فضای گفتگو و تضارب آراء و اندیشه» و غیره، معتقد است «فریادهای مجازی به گوش کسی نمی‌رسد»، لذا این فریادها نمی‌تواند در فرآیند دموکراتیزاسیون مؤثر باشند. دکتر رحمانی دهکردی تأکید می‌کند طبق تقسیم‌بندی هانا آرنت از رفتار انسانی شامل ۱. تلاش معاش (شباهت با حیوان)؛ ۲. کار خلاقانه (تمایز با حیوان)؛ ۳. عمل یا اکشن (خاص انسان)؛ «عمل» عالی‌ترین رفتار انسانی، به معنای حضور مؤثر فرد در جامعه است که به فرد هویت می‌بخشد، به زندگی‌اش معنا می‌دهد و بین او و سایرین تفاوت ایجاد می‌کند؛ اما در عرصه مجازی این اتفاق صورت نمی‌گیرد. (رحمانی دهکردی، ۱۳۹۴)

نگارندگان مقاله حاضر بیشتر با دیدگاه «هان» هم‌نظر هستند؛ چرا که معتقدند خارج از عامل «محتوایی و ذاتی رسانه‌های اجتماعی و مجازی»، که سهم مهمی در عملکرد ضعیف این حوزه در فرآیند دموکراتیزاسیون دارد؛ یک عامل

۳ - هان در مقاله دیگری تحت عنوان «چرا امروز دیگر انقلاب ممکن نیست»، می‌گوید «زمانی تصور بر این بود که باید حکومتی که به عنوان مرجع حاکمیت اطلاعات شخصی شهروندان را برخلاف خواست‌شان، از آنها می‌گیرد، مقابله کرد. این دوران مدت زیادی است که به پایان رسیده. امروز ما با اراده شخصی، داده‌های خود را فاش می‌کنیم. درست همین آزادی محسوس است که اعتراض‌ها و انقلاب‌ها را ناممکن می‌کند. به اعتقاد هان، خودبروزدهی و خودآشکارسازی داوطلبانه فرد برای نظام حاکم از همان منطق بهره‌وری و خوداستثمارگری پیروی می‌کند. با این وصف، علیه چه باید اعتراض کرد؟ علیه خودمان؟! این وضعیت تضادآمیز را جنی هولزر، هنرمند مفهومی آمریکایی، در «گزینه‌های»، اثر خود، به خوبی بیان می‌کند: «از من در برابر خواسته‌هایم محافظت کنید!» (ر.ک). «چرا امروز دیگر انقلاب ممکن نیست، بیونگ-چول هان/ ترجمه: فرهاد سلمانیان، ۱۶ آبان ۱۳۹۳.

عرضی و جانبی وجود دارد که ماهیت کارکردی رسانه‌های مجازی و ارتباطی را تحت تأثیر قرار داده است. به این معنا که کارکرد رسانه‌های اجتماعی در فرایند دموکراتیزاسیون، «به ماهیت نظم سیاسی حاکم» در هر جامعه بستگی دارد. اگر ساختار سیاسی دموکراتیک باشد، امکان ارتباط میان فضای مجازی و فضای واقعی برقرار می‌گردد و بدین ترتیب امکان انتقال سوژه انسانی از مقام «فردی» به مقام «شهروندی» فراهم می‌شود؛ اما اگر ساختار سیاسی غیر دموکراتیک باشد این ارتباط و انتقال برقرار نشده و سوژه‌ها در همان مقام فردی باقی می‌مانند و مشارکت فعال انجام نمی‌گردد.

مضافاً روند اعتراض و مقاومت مجرد در فضای مجازی، ذاتاً امری ناقص است و منجر به رخدادی تازه نمی‌گردد. نمی‌شود در خانه نشست و با کلیک کردن انقلاب و تغییر انجام داد. فضای رسانه تنها می‌تواند نقش «هشدار دهنده» داشته باشد؛ آنچه حیاتی بوده و تمام کننده است، حضور مستقیم و عملی مردم در سپهر فرآیند دموکراتیزاسیون اعم از اصلاح و انقلاب است.

به همین منوال، نگارندگان این ادعا را که «در عصر کنونی، انقلابات بیشتر در عرصه رسانه‌های اجتماعی انجام می‌شود و هر حرکت و انقلابی از این عرصه نشأت می‌گیرد»، مورد تردید قرار می‌دهند؛ چرا که انقلاب‌ها تقریباً در همه‌ی دوره‌ها بوده است. در طول تاریخ، مردم بدون هیچ گونه ابزار رسانه‌ای همواره در عرصه سیاست و حکومت فعال بودند و نقادانها و اعتراضات گسترده‌ای انجام می‌دادند. لذا تا زمانی که فضای عمومی تهی از سوژه‌های انسانی فعال در سپهر سیاست و اجتماع باشد؛ افزایش ساحت رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی، توفیقی در فرآیند موفقیت‌آمیز دموکراتیزاسیون نخواهد داشت. سوژه یا همان عاملیت (agency) به معنای قابلیت ایجاد تفاوت است؛ تفاوت «هست» و «خواهد بود» در ارتباط با هر موضوعی.

به ویژه، در عرصه‌ی سیاست است که سوژه سیاسی یا همان عامل سیاسی شناخته می‌شود. از این لحاظ، در این عرصه، صرف مخالفت کردن با «آنچه هست» اما انتخاب نکردن «آنچه خواهد بود» به معنای عامل یا سوژه سیاسی نیست. در سیاست، فرد یا جمعی که از عقل عملی معطوف به هدف برخوردارند و در راستای تحقق هدف انتخاب شده‌شان دست به عمل می‌زنند، عامل / سوژه اند. (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۴۹-۵۰) مع الوصف سوژه بودن و به ویژه سوژه سیاسی بودن در فضای مجازی و عرصه رسانه به سختی امکان‌پذیر است. به قول هان «ما امروز فقط تصور می‌کنیم که سوژه تحت انقیاد نیستیم، بلکه انسان آزادی هستیم که خود را چونان «پروژه» ای همواره از نو کشف و تعریف می‌کند. اما این گذر از «سوژه» به «پروژه» که حس آزادی در آن تبلور می‌یافت، اکنون نشان می‌دهد که خود این پروژه به نوعی جبر و انقیاد تبدیل شده است. (محبی ۱۳۹۸) لذا باید یک حوزه عمومی که حداقل خصوصیت ذیل را داشته باشد، شکل بگیرد:

۱. برابری شهروندان بدون در نظر گرفتن منزلت شرکت کنندگان؛

۲. آزادی بیان نظرات برای همگان؛

۳. جدایی این حوزه از نفوذ اقتدار (دولتی و غیر آن) و پول؛

۴. اهمیت استدلال برتر؛

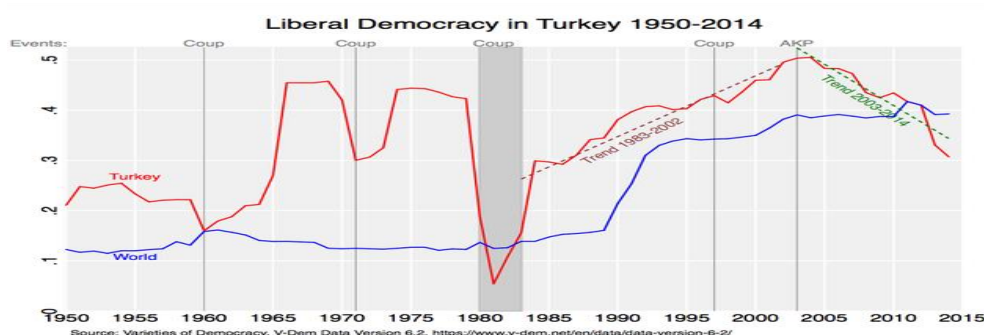
۵. از آنجا که استدلال برتر حامی خیر عموم است می‌تواند در حکومت اثر گذارد؛

۶. هر آن رسانه‌ای که تحت نظارت دولت نباشد را می‌توان رسانه حوزه عمومی به شمار آورد. (پدرام، ۱۳۸۸: ۹۲-۹۳)

حاصل کلام اینکه؛ فارغ از بحث محتوایی و ذاتی فایده‌مندی یا مضر بودن رسانه‌های اجتماعی و مجازی در فرآیند دموکراتیزاسیون؛ آنچه مهم است «ماهیت نظم سیاسی» است. ماهیت نظام‌های سیاسی اساساً طوری تنظیم شده است که به تعبیر هان «سیاست هم، در قالب آنها به بندگی کشیده می‌شود». بنابراین تنها در صورتی که ساختار سیاسی ماهیت دیکتاتوری نداشته باشد، فضای عمومی شکل می‌گیرد و به تبع آن، هم شرایط و فرصت شکل‌گیری و فعالیت رسانه‌های اجتماعی و مجازی فراهم می‌گردد، هم زمینه و امکان برقراری ارتباط میان فضای مجازی و واقعی میسر می‌گردد. تنها در این صورت است که فرآیند دموکراتیزاسیون روال طبیعی به خود می‌گیرد و تحکیم دموکراسی امیدبخش می‌شود.

این معضل تقریباً در اکثر کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه قابل ردیابی است؛ در این جستار، کشور ترکیه [دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه] به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است:

در کشور ترکیه طی دوره تقریباً سه دهه‌ای (سال‌های ۱۹۹۰ تا کنون) با ظهور دولت‌های نسبتاً دموکراتیک، از یک طرف ساخت رسانه‌ای و مجازی رشد بیشتری یافت، از طرف دیگر ارتباط میان فضای مجازی و واقعی به میزان زیادی برقرار گردید؛ طوری که نمودار فرآیند دموکراتیزاسیون طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ رشد قابل توجهی نشان می‌دهد. اما از سال‌های ۲۰۱۰ به بعد به دلیل تضعیف رویه دموکراتیک ساختار سیاسی حاکم و تشدید روحیه اقتدارگرایانه رهبران سیاسی، [تغییر ماهیت سیاسی از دموکراتیک به اقتدارگرایی] اتصال و ارتباط میان فضای مجازی و واقعی تقریباً قطع شده و به تبع آن فرآیند دموکراتیزاسیون هم ضعیف و متوقف گشته است. نمودار ذیل نشان می‌دهد که تقریباً از سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۵ شاخص لیبرال دموکراسی در ترکیه در حال رشد است اما از سال ۲۰۰۵ به بعد سیر نزولی پیدا کرده است: (چاغاتای، ۱۳۹۷: ۱۵۱)



در بخش بعدی، ضمن معرفی اجمالی خصوصیات جامعه مدنی ترکیه، سیاست رسانه‌ای دولت ترکیه طی دو دهه اخیر مورد بررسی قرار می‌دهیم تا چگونگی تأثیر ماهیت سیاسی بر عملکرد رسانه‌ها و به تبع آن تأثیرگذاری آن بر روند سیاسی و دموکراسی‌سازی کشور ترکیه مشخص شود.

الف) خصوصیات جامعه مدنی ترکیه: ۱. حضور پراتیک در عرصه جامعه

^۴ - به دلیل همین قطع‌شدگی شاهد بروز رفتارهای دوگانه بعضاً منفعل و محافظه‌کارانه و بعضاً رادیکال و خشونت‌آمیز از سوی جامعه مدنی ترکیه هستیم.

یکی از ویژگی‌های مهم جامعه مدنی ترکیه حضور «پراتیک» سوژه‌های انسانی در عرصه سیاست و اجتماع می‌باشد. برخلاف جامعه مدنی اروپا که بیشتر «استریل وار» هستند؛ جامعه مدنی ترکیه بیشتر فعال و پراتیک است و گویا «سیاست در آنها درونی شده است». انسان‌ها همواره یک چیزی برای انتقاد و اعتراض دارند؛ مدام حرف می‌زنند و بحث می‌کنند. یک ضرب‌المثل ترکیه‌ای می‌گوید: «اگر دو ترک گردهم آیند سریع یک حزب تشکیل می‌دهند اما اگر دو ایرانی کنار هم قرار گیرند، سریع یک روزنامه تأسیس می‌کنند». روزنامه محل بحث و گفتگوی رودررو و مستقیم نیست؛ هیچ افتراق و تضاری وجود ندارد. اما در حزب فضای مشارکت و حضور عملی حاکم است و همواره گفتگوها دوجانبه و یا چندجانبه انجام می‌شود.

طی سال‌های اخیر حضور فعالانه جامعه مدنی ترکیه در تعیین و تکلیف مسائل مختلف جامعه، نمود بیشتری یافته است؛ «رفراندوم قانون اساسی سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۱۰، ۲۰۱۷؛ بحران پارک گزی ۲۰۱۳، کودتای ۲۰۱۶، و انتخابات پارلمانی، ریاست‌جمهوری و شهرداری‌های سال‌های ۲۰۱۵، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹، نشان می‌دهد، سیاست «منفعل‌سازی» و «اتمیزه‌سازی» جامعه مدنی ترکیه از عرصه سیاست و اجتماع تقریباً شکست خورده است. در بحران پارک گزی، حضور میلیون‌ها شهروند فعال در میدان «تقسیم» استانبول ترکیه جهت مقابله با سیاست‌های غیردموکراتیک ساختار حاکم، اثبات‌گر این ادعا است. در تاریخ ۱ ژوئن ۲۰۱۳، در ۴۸ استان ترکیه بیش از ۹۰ مورد تظاهرات اعتراضی برگزار گردید. این اتفاق، از سوی تحلیل‌گران و نویسندگان مختلفی مورد ارزیابی قرار گرفت؛ نیلوفر گوله یکی از اندیشمندان مشهور ترکیه قیام پارک گزی را «مبارزه شهروندان استانبول جهت مراقبت و حفاظت از اماکن هویتی خویش» یاد می‌کند. همچنین ارگون اوزبودون از نظریه‌پردازان حوزه حقوق سیاسی - مدنی ترکیه این قیام را در حقیقت «انفجار ناگهانی نارضایتی مردم از مداخلات دولت در محدوده‌ی ترجیحات شخصی و شیوه زندگی سکولار و آزادانه خویش» قلمداد می‌کند. (Özbudun, 2014:157)

۲. کارناوالیک شدگی جامعه مدنی

جامعه مدنی ترکیه طی دو دهه اخیر به مراتب «رنگین‌تر» شده است؛ طوری که طی سال‌های اخیر، در هنگامه اعتراض و مبارزه، سپهر سیاسی «مجمع الجزایری» می‌ماند که از افراد و گروه‌های سیاسی - اجتماعی مختلف تشکیل شده است. به عنوان مثال، نکته قابل تأمل در بحران پارک گزی (۲۰۱۳) این بود که ترکیب قیام‌کنندگان اکثریت از طبقه متوسط^۵ تحصیل کرده و از همه مهمتر جوانانی [زن و مرد] بودند که سابقه عضویت در هیچ حزب یا جریان سیاسی نداشتند. این گروه گرایش شدیداً لیبرال و دموکراتیک داشتند که در میان آنها، کمالیست‌ها، چپ‌ها، ضد کاپیتالیست‌ها، مسلمان‌ها، پیرامون و حاشیه نشین‌ها، فمینیست‌ها، کردها، علوی‌ها، گروه‌های شغلی حرفه‌ای و کارگران رویت می‌شد.

^۵ - به گفته بانک جهانی در سال ۲۰۱۴ در فاصله سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۰، درصد طبقه متوسط ترکیه از ۱۸ درصد به ۴۱ درصد افزایش یافته است و از طرف دیگر میزان درآمد ۴۰ درصد قشر پایین جامعه، به اندازه متوسط کل جمعیت افزایش یافته است و این بدان معناست که میزان افزایش درآمد در کشور نصیب طبقات مختلف شده است. اما مسئله اینجاست که اردوغان با مشت آهنین بر کشور حکومت می‌کند در حالی که طبقه متوسط خواهان آزادی بیشتر است و جامعه آزاد را ترجیح می‌دهد و شرایط موجود کاسه صبر آنها را لبریز کرده است. لذا یکی از چالش‌های کنونی و سال‌های آتی اردوغان، خواسته‌های لیبرالیستی اکثریت طبقه متوسط است. همانطور که در دهه ۱۹۹۰ اسلامگرایی پس از سال‌ها اختفا در حکومت کمالیست‌های سکولاریست توانست خودی نشان دهد، پس از حادثه پارک گزی در سال ۲۰۱۳ به نظر می‌رسد که جنبش لیبرالیسم در حال رشد است.

(Arat, 2013:87-88) آنها به یاری «رسانه‌های اجتماعی» سعی داشتند رویاهای خود را به مردم بفروشند؛ آنها خواهان یک ترکیه دموکراتیک هستند. اما مسئله برای این لیبرال‌ها این است که فاقد یک رهبر پرجاذبه و کاریزماتیک می‌باشند یا فاقد حزبی قدرتمند هستند که آنها را به قدرت برساند. (چاچاپتای، ۱۳۹۷: ۲۳۳-۲۳۴) در حقیقت مطالبات معترضین پارک گزی ریشه در تغییر زبان سیاسی و رویکرد حکومتی حزب عدالت و توسعه به ویژه از سال‌های ۲۰۰۷ به بعد دارد. از آن سال‌ها، همزمان با تلاش‌های حزب عدالت و توسعه جهت تضعیف قدرت نظامیان، از یک طرف، مکانیزم‌های «توازن و کنترل» تضعیف شدند و از طرف دیگر حزب اپوزیسیون اصلی (حزب جمهوری خواه خلق) از انجام سیاست‌های مقابله‌گرایانه علیه ساختار سیاسی ناتوان بود؛ لذا شهروندانی که از طریق گروه‌ها و بنیادهای سیاسی نتوانستند صدایشان را انتقال دهند، به خیابان‌ها پناه آوردند. (Ete, 2013:17) بخش عمده‌ی محتوای شعارهای اعتراض‌کنندگان، «سیاسی» بود و به اقتدارگرایی حزب عدالت و توسعه و عدم انعطاف دموکراتیکی آن می‌تازید. (داراب زاده، موثقی، قربانی، ۱۳۹۲، ص: ۱۷) به تعبیر دیگر این اعتراضات، نمایانگر خشم از تکبر قدرت و ابهام و عدم شفافیت حزب عدالت و توسعه بود. (قلی پور، ۱۳۹۲) این غلیان خشم در حقیقت مفهوم «نافرمانی مدنی توده‌ای» را برای اولین بار پس از کودتای ۱۹۸۰ دوباره احیا کرد. یک تغییر بی‌واسطه و برجسته در فضای سیاسی به وجود آمده بود: «یک بار دیگر، مقاومت به عنوان یک رخداد خوب، زیبا و درست تقدیس شد». واژه «مقاومت» (به ترکی direniş) که پس از سال ۱۹۸۰ از فضای عمومی زدوده شده بود، دوباره به فرهنگ واژگان رایج برگشت.

جیهان توغال نویسنده کتاب «سقوط مدل ترکیه: چگونه قیام‌های عربی لیبرالیسم اسلامی را سرنگون کرد» استدلال می‌کند که سبک اعتراضات و نیز خصلت چندطبقه‌ای و چند موضوعی آن، مهم است؛ «جنبش‌های اجتماعی در ترکیه حتی از میانه‌های دهه‌ی ۱۹۹۰، خوش‌آب و رنگ‌تر و بشاش‌تر شده بودند؛ اما این نخستین بار بود که یک خیزش توده‌ای با گرایش‌های کاملاً کارناوالی مشخص می‌شد». (توغال، ۲۰۱۶، ص: ۱۰)

۳. پیشقراولی طبقات فرهیخته

در این خصوص اخیراً «نوآم چامسکی» در مصاحبه با روزنامه حریت ترکیه (۲۰۱۵) گفته است: «ترکیه تنها کشوری است که من سراغ دارم که در آن چهره‌های برجسته طبقات فرهیخته (روزنامه نگاران، دانشگاهیان و نویسندگان) نه تنها علیه جرائم حکومت اعتراض می‌کنند، بلکه برای اعتراض به آنها دست به اعمال دلیرانه‌ای از نوع «نافرمانی مدنی» می‌زنند. این چیزی نیست که در هر جایی اتفاق بیفتد. مطمئناً در اروپا و آمریکا روی نمی‌دهد. چنین کسانی و چنین چهره‌هایی وجود دارند اما در حاشیه هستند. اما در ترکیه این افراد جریان مسلط می‌باشند؛ این حیرت‌انگیز است. این درسی است که غرب می‌تواند از ترکیه بیاموزد. آنچه به راستی قابل توجه است تنها و تنها رغبت این قشر برجسته فرهیختگان، روشنفکران و فعالان دارای امتیازات ویژه به شرکت در اعتراض‌ها نیست، که البته این نیز تا حدی نادر است، بلکه اقدام آنها به نافرمانی مدنی جالب‌تر است. در غرب انجام این کارها بسیار آسان‌تر است. آنجا آزادی و

^{۳-} با وجود اینکه جنبش گزی سرشار از ابداعات تازه بود، از ارجاعات تاریخی نیز بی‌بهره نبود. در جریان تظاهرات، نمای مرکز فرهنگی آتاتورک در میدان تقسیم با تصویر مرد جوانی در کنار یک بنر پوشیده شد که روی آن نوشته شده بود «سرتان را بالا بگیرید!». این مرد جوان، «دنیز گزمیش» دانشجوی مبارزی بود که توسط ارتش ترکیه در سال ۱۹۷۲ اعدام و به نماد چپ انقلابی تبدیل شده بود.

حمایت بیشتری وجود دارد، اما مردم از این کارها نمی‌کنند. این موضوع هیجان‌انگیز است و من کشور دیگری نمی‌شناسم که چنین چیزی در آن روی دهد». (Hürriyet gazetesi, 2015)

البته این موضوع مثل شمشیر دولبه است؛ در کنار پرده مثبت این اتفاق، یعنی «ظهور طبقات فرهیخته فعال و عملگرا و تأثیر گذاریشان در فرایند دموکراتیزاسیون»؛ پرده منفی دیگر، شکل‌گیری جریانی است که در طول ساختار حاکم فعالیت می‌کند و همواره رویکردی رادیکال و ضد دموکراتیک دارد. این جریان، همواره تلاش می‌کند نقطه تمرکز گفتمان حزب عدالت و توسعه را از «انقلاب نرم دموکراتیک» به «جنگ حفظ قدرت» تغییر دهد؛ تغییری که اخیراً منجر به خلق مفاهیم جدید از نوع اقتدارگرایی نظیر «نئوعثمانیسم»، «بناپارتنیسم»، «سلطانیسم»، «سزاریسم»، «اردوغانیسم» و غیره شده است؛ و نتیجه آن شکل‌گیری روحیه اسطوره‌سازی و کیش‌شدگی حول شخصیت اردوغان، قطبی‌سازی جامعه، بهره‌مندی از سیاست پلیسیتی جهت تغییر قانون اساسی و دیگر مسائل مهم جامعه، انحصار رسانه‌ای شدید و موارد دیگر. در بخش بعدی به وضعیت رسانه‌ای ترکیه پرداخته می‌شود تا بدین ترتیب نشان دهیم چطور سیاست رسانه‌ای دولت حزب عدالت و توسعه به ویژه از سال‌های ۲۰۱۳ به بعد فرآیند دموکراتیزاسیون ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است؛ طوری که برخی از صاحب‌نظران حوزه سیاست و رسانه ترکیه، «انحصار رسانه‌ای اعمال شده از سوی دولت»، را به مثابه یکی از موانع تحکیم دموکراسی در ترکیه معرفی می‌کنند.

ب) سیاست رسانه‌ای دولت حزب عدالت و توسعه

انحصار رسانه‌های ارتباطی و استفاده تبلیغاتی از آنها در حقیقت یکی از مهمترین وجوه حاکمیتی حزب عدالت و توسعه بعد از سال‌های ۲۰۰۷ به بعد است. طوری که طی سال‌های اخیر انحصار گرای رسانه‌ای حزب عدالت و توسعه محدود به روزنامه‌های مشهور «ینی شافاک»، «ینی آکت» و «کانال ۷» باقی نماند، روزنامه‌های «صاباح»، «استار»، «حریت» هم که از روزنامه‌های تأثیرگذار ترکیه بودند بالاجبار به مطبوعات دولتی تبدیل شدند. همچنین طی سال‌های اخیر با فشار سیاسی و اقتصادی دولت حاکم، اکثر رسانه‌ها و مطبوعات بلوک اپوزیسیون مورد تسویه قرار گرفتند. این رویکرد سرکوب‌گرایانه بعد از واقعه پارک گزی (۲۰۱۳) شدت یافت؛ زندانی کردن «جان دوندار» سردبیر روزنامه مشهور «جمهوریت» [متعلق به حزب اپوزیسیون جمهوری خواه خلق]، سوق‌صد م مسلحانه علیه ایشان در مقابل دادگاه و خروج ایشان از کشور به دلیل تهدید، سه نکته محوری بازگشت فشار و سرکوب به عرصه رسانه بود. (Bora, 2017: 517) هم اکنون طبق آمار «سازمان گزارشگران بدون مرز»، بیش از ۱۵۰ روزنامه‌نگار در ترکیه زندانی هستند و ترکیه به «زندان بزرگ اروپا» تبدیل شده است؛ طوری که بر اساس شاخص سال ۲۰۱۹، ترکیه رتبه ۱۵۷ از میان ۱۸۰ کشور جهان را کسب کرده است.

در اصل دولت ترکیه با اعمال سیاست‌های انحصارگری رسانه‌ای، در صدد تولید فضای «لینچی» (Lincing) در عرصه رسانه است، تا بدین ترتیب انتشار خبری «وحدت الشکلی» به نمایش بگذارد! طوری که اینک شاهد «گرد/ تنگ» شدن هر چه بیشتر فضای رسانه‌ای ترکیه هستیم. هر چند قبل از دوره حزب عدالت و توسعه هم، فضای رسانه‌ای چندان فراخ نبود؛ اما «برساختگی خبری» که دچار انحصار، تک‌صدایی و غیرواقعی شده، تا این درجه نبود! این برساختگی، از سوی رسانه‌های اجتماعی هم تقویت می‌شود؛ آنچه در زبان رسانه‌های اجتماعی تحت عنوان «ترول» [تاکتیک تحریک

بر اساس اخبار راست- و دروغ] مطرح می‌شود، از سوی گروه رسانه ای دولت با عبارت «آک ترول»^۷ کارهایی نظیر فریب سیاسی، اطلاعات گمراه کننده، حقارت، بدنام کردن و تولید اخبار دروغین را انجام می‌دهند. آقای احمد تاشکترین یکی از نویسندگان و روشنفکران اسلامگرایی که برخی سیاست های حزب عدالت و توسعه را مورد انتقاد قرار می‌دهد از «زبان ترولی» دولت ترکیه جهت خفه کردن مخالفین به شدت ابراز نارضایتی کرده است. به اعتقاد ایشان ساختار حاکم همواره منتقدین خود را تهدید می‌کند که «اگر نمی‌خواهید به گذشته برگردید، شرایط بی قانونی و غیردموکراتیک فعلی را تحمل کنید!» (7 sabah,29.01.2019)

البته اقدام «ترولی رسانه‌ای» مختص حزب عدالت و توسعه نیست؛ بلوک اپوزیسیون هم از این موضوع استفاده می‌کند؛ اما به دلیل انحصار رسانه‌ای دولت کنونی ترکیه، تأثیرگذاری چندانی ندارند. نتیجتاً عرصه رسانه‌ای ترکیه، به جای خلق یک فضای گفتگوی همگرایانه و عقلانیت محور، به دوئل عوام فریبانه‌ای مبدل شده است که هر گونه مخالفت و انتقاد را به یک بحران منجر می‌کند و با تولید اتمسفر زهر آگین، صدای مخالفین را خفه می‌کند. این فضا نه تنها سپهر اندیشه، بلکه حیات فرهنگی- سیاسی ترکیه را هم در حال محو کردن است.

در این راستا می‌توان به حملات و تهاجمات مکرر دولت حزب عدالت و توسعه به «اقتدار فرهنگی» بلوک سکولار- غربگرا و جریان چپ‌ها اشاره کرد. مجلات «جینس»، «اوت» و «کافا» که در سالهای ۲۰۱۵ شروع به انتشار یافتند، مثال بارز این تهاجمات می‌باشند. توقیف این مجلات، تهدید و دستگیری برخی از نویسندگان و اساتید وابسته به این نشریات از جمله اقدامات غیردموکراتیکی است که در چند سال اخیر رخ داده است. شاید بتوان گفت بزرگترین قربانی عرصه مطبوعاتی ترکیه «روزنامه حریت» و عرصه رسانه ای «شبکه ارتباطی دوغان» باشد؛ بخش بزرگی از مسئولین و نویسندگان این دو ابزار ارتباطی، رویکرد و اندیشه لیبرالی و سکولار- لائیسمی داشتند و سیاستهای حزب عدالت و توسعه را مورد انتقاد قرار می‌دادند. در سال ۲۰۰۹ دولت به بهانه «فرار مالیاتی» شبکه رسانه ای «دوغان» را ۲٫۵ میلیارد دلار جریمه کرد. این جریمه، مسئولین این نهاد رسانه ای را به فروش کانال‌ها و مطبوعات زیرمجموعه اش، مجبور کرد؛ لذا امپراتوری رسانه‌ای دوغان که در حقیقت وزنه‌ای در برابر انحصار رسانه ای دولت حاکم بود، متلاشی شد. (چاغاتای، پیشین: ۱۵۴) همچنین آقای «جم اوزان» که در سال ۲۰۰۴ به عنوان یکی از ثروتمندترین افراد منتقد حزب عدالت و توسعه به شمار می‌آمد و مؤسس حزب «جوان» بود، از طرف دولت با اتهام «اختلاس» مواجه شد و بالاجبار به فرانسه فراری شد و حزب کمی بعد توقیف گردید. همچنین در سال ۲۰۱۳ یکی از شرکتهای هلدینگ ترکیه تحت عنوان «گروه کُچ»^۸ به حمایت از معترضین پارک گزی متهم شد و تحت بازرسی های مالیاتی مواخذه و جریمه گردید. این گروه بعداً فاصله خود را با بلوک اپوزیسیون به مراتب بیشتر کرد. (Bora, Ibid: 534)

در گزارشی که در مورد آزادی رسانه‌ها و با نام (Democracy in Crisis: Corruption, Media and Power in Turkey) منتشر شد، وقایع مربوط به آزادی بیان و رسانه‌ها در ترکیه با عنوان، «مسئله‌ای نیست که مربوط به سازمان مشخص و یا رویداد خاصی باشد، بلکه دنباله اقدامات نسبتاً طولانی مدتی که برای هدایت و سمت و سو دادن به مسائل کلی جامعه است»، معرفی شده است. در این گزارش آمده است که حزب حاکم عدالت و توسعه در سالهای

^۷ - منظور ترول های اینترنتی حزب عدالت و توسعه

^۸ - طبق گزارش درز شده، یکی از هتل های وابسته به گروه کُچ، هنگام اعتراضات به عنوان پناهگاه و بیمارستان موقتی مورد استفاده قرار گرفت. لذا دلیل دشمنی دولت همین بود.

اخیر برای ایجاد فشار بر روی رسانه‌های مخالف و منتقد خود از راهکارها و تکنیک‌های پیچیده و گاه‌ها زنجیر وار استفاده کرده است که از مهمترین آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. ترساندن؛ ۲. اخراج‌های دسته جمعی؛ ۳. خرید غول‌های رسانه‌ای ترکیه و یا تلاش‌های مستقیم برای ورشکست کردن آنها؛ [هلدینگ‌های تجاری نزدیک و همسو با حزب عدالت و توسعه در مناقصه‌ها و مزایده‌های عمومی و دولتی سودهای میلیارد لیره ای کسب می‌کنند. اما از سوی دیگر هلدینگ‌های تجاری (هلدینگ‌ها و شرکت‌های تجاری و صنعتی در ترکیه در صنعت پر سود رسانه نیز بسیار فعال هستند) که با دولت همراه نیستند و از سیاست‌های داخلی و خارجی حزب عدالت و توسعه انتقاد می‌کنند، با تحقیقات و بازرسی‌های متعدد مالیاتی و غیره مواجه بوده و بدین واسطه جریمه‌های نقدی فراوان و گاه‌ها کمر شکنی را تحمل کرده‌اند. در این مورد به خرید گروه رسانه ای صباح-آ تی وی (Sabah-ATV) از سوی گروه سرمایه گذاری چالیک (Çalık) که از شرکت‌های نزدیک به حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان است نام برد. ۴. کنترل مکالمات تلفنی شهروندان و به شکل خاص روزنامه‌نگارها و اصحاب رسانه؛ ۶. بازداشت. (خبرگزاری مهر، ۱۶ خرداد ۱۳۹۴)

همچنین انحصار رسانه ای که طرفداری افراطی را طلب می‌کند، حزب عدالت و توسعه را به وضعیتی رسانده است که دیگر تاب تحمل انتقادهای درون حزبی و جناحی را هم ندارد. در همین فضا است که «متقدمین» که پیوند ایدئولوژیکی با رهبران حزب دارند، با کوچکترین نقد کنار گذاشته می‌شوند و «متأخرین» طرفدار اردوغان قدرت و اعتبار می‌گیرند. یکی از این موارد، «هاکان آلبیراک» نویسنده و روزنامه‌نگار مشهور ترکیه است که علیرغم داشتن نگاه حامی محور به حزب عدالت و توسعه و انتشار سرمقاله‌های با ادبیات «رئیس محوری»، به دلیل برخی انتقادهای کوچک درون گروهی، از جریان اصلی رسانه‌های دولتی کنار گذاشته شد. ایشان بعد از اینکه در روزنامه «پست رستاخیز / Diriliş Postası» که در حقیقت مجرای منتقدین درون حزبی بود، پناهندگی داده نشد، به جرگه نویسندگان روزنامه «کارار» پیوست. روزنامه کارار که در اصل امیدگاه و ملجاء تعادل و موازنه در عرصه سیاست فعلی ترکیه می‌باشد، انتقادهای خود را از منظر «بی‌اعتدالی و نسنجیدگی» ادامه می‌دهد. این جریان رسانه‌ای بعد از کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶، در مسئله تسویه حساب‌ها سعی در تلقین نوعی رویکرد «عدالت‌گرایانه و قانون محوری» بود. به عنوان مثال آقای «حیدر شفق‌تلی توکسال» یکی از نویسندگان روزنامه «کارار» با اشاره به ارتباط دیرین میان حزب عدالت و توسعه و جماعت گولن، ابعاد تسویه حساب‌های بعد از کودتای ۲۰۱۶ را با تسویه حساب‌های ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ مقایسه می‌کند. در آن دوره، از طریق برخی مأمورین امنیتی اسلام‌گرا به محلات علوی نشین و سکولار مسلک حمله شد و اهالی مورد آزار و اذیت قرار گرفت. (Bora, İbid: 508)

همچنین آقای اردوغان از طریق قانون «شکایت از شخص توهین کننده»، در مقام دوازدهمین رئیس جمهوری ترکیه، ۱۸۰۰ بار از آن استفاده کرده و منتقدین خود را دادگاهی، جریمه و زندانی کرده است. این در حالی است که عبدالله گل در مقام یازدهمین رئیس جمهوری ترکیه ۱۳۹ بار و احمد نجات سزر به عنوان دهمین رئیس جمهور ترکیه تنها ۲۶ بار استفاده کرده بود. (چاغاتای، پیشین، ص: ۲۲۵)

به طور کلی الگوی کلیدی سنت حکومتی ترکیه این است: «تنها کافی نیست با حکومت دیدگاه‌های مشترک داشت، بلکه باید از رهنمودها و دستور کار حکومت پیروی کرد». به تعبیر دیگر سنت حکومتی ترکیه مخالف اندیشه فعالیت مستقل است، حتی اگر در این فعالیت ایدئولوژی مورد تأیید وی گسترش یابد. بازتاب امروزی این الگو بدین شکل

است: «تنها کافی نیست برنامه و دستور کاری اسلامی داشت، بلکه باید استراتژی حکومت برای فعالیت اسلام گرایانه را سرلوحه کار قرار داد»؛ دشمنی حکومت فعلی ترکیه با برخی رسانه‌ها و انجمن‌های وابسته به جماعت‌ها و طریقت‌های اسلام گرا هم در همین راستا معنا می‌یابد. در گذشته گروه‌ها و فرقه‌های اسلامی زیادی در ترکیه وجود داشتند؛ با تفاوت‌ها و مناقشات عمده‌ای که میان آنها بود، همه آنها منفرداً در برچیدن رژیم کمالیست خوب عمل کردند. اما امروزه که اسلام گرایان به قدرت رسیده‌اند، معتقدند دیگر به مدل پر هرج و مرج سابق نیازی نیست. در مقابل، مدل «حکومت واحد» را تبلیغ می‌کنند که انتظار دارد همه گروه‌های اسلامی برنامه تعیین شده توسط حکومت را بپذیرد و دنبال کند. در خصوص دلایل دشمنی حزب اسلام گرای عدالت و توسعه با دیگر گروه‌های اسلامی، مسئله «عدم تثبیت هژمونی در بستر جامعه ترکیه» از دیگر مواردی است که همواره محل بحث است. طبق گفته لاکلاو، یکی از شرایط پذیرش یک گفتمان، قابلیت اعتبار آن است؛ یعنی اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصول اساسی گروه‌های اجتماعی ناسازگار باشد. (Laclau, 1990) اما اقدام‌های غیر ستیزانه حزب عدالت و توسعه نه تنها گروه‌های لائیک و سکولار [حدود ۵۰ درصد] را به شدت رنجانده و آزرده خاطر کرده؛ بلکه جریان‌های اسلامگرا را نیز ناراضی نموده است؛ لذا اعتبار جامعی ندارد.

نتیجتاً اینکه تغییر ماهیت سیاسی ترکیه از رویه دموکراتیک به اقتدارگرایی، باعث شده است اولاً: یک سیاست انحصارگرایانه در عرصه رسانه بکار گرفته شود و به تبع آن سیاست محدودیت، طرد و دشمنی علیه منتقدین درونی و بیرونی اعمال گردد. طوری که با افزایش بیش از حد محدودیت اعمال شده علیه جامعه مدنی و رسانه‌ای، ترکیه طی سالهای اخیر به «زندان بزرگ روزنامه‌نگاران در قاره اروپا» مبدل گشته و از لیست کشورهای «نسبتاً آزاد» به جرگه کشورهای «غیر آزاد» سقوط نمود. بنابراین این فرضیه که «عملکرد ضعیف رسانه‌های ارتباطی و مجازی در فرآیند دموکراتیزاسیون بیشتر از آنکه متأثر از نقض و ضعف ماهیتی و محتوایی خودشان باشد، به ماهیت غیر دموکراتیک ساختار سیاسی بستگی دارد» در مورد کشور ترکیه اثبات پذیر است.

نتیجه‌گیری

علیرغم گسترش آمار رسانه‌های اجتماعی و مجازی، به دو دلیل ذاتی و عرضی تقریباً در فرآیند دموکراتیزاسیون مؤثر واقع نمی‌شوند. دلیل ذاتی و محتوایی به نداشتن ارتباط واقعی و مستقیم با سوژه‌های انسانی هر جامعه باز می‌گردد؛ و دلیل عرضی و جانبی به وابستگی آن بر ماهیت نظم سیاسی هر جامعه مربوط است. تأکید نگارنده بر این است که تأثیر عوارض جانبی بیشتر از عوارض ذاتی است؛ چرا که اگر در جامعه‌ای ساختار سیاسی دموکراتیک باشد، فضای عمومی برای گفتگو و تضارب آراء فراهم می‌گردد، ارتباط میان فضای مجازی و واقعی برقرار می‌شود و نتیجتاً فرآیند دموکراتیزاسیون محقق می‌شود. در یک جامعه دموکراتیک، فضای مجازی همواره به مثابه یک آزر عمل می‌کند و فضای واقعی به مثابه محل گفتگو، مناظره، مباحثه، جدل و نهایتاً ارائه راه کار و تصمیم‌گیری جمعی. اما اگر ساختار سیاسی غیر دموکراتیک و اقتدارگرا باشد؛ دو حالت وجود خواهد داشت: ۱. فضای عمومی شکل نمی‌گیرد و ارتباط میان عرصه مجازی و عرصه واقعی قطع می‌گردد؛ ۲. [به تبع از حالت اول] شرایط برای بروز شورش، انقلاب و غیره فراهم می‌شود.

در ترکیه کنونی به ویژه از سال های ۲۰۱۳ به بعد، هر روز فضای عمومی تنگ تر، و محدودیت های بیشتری علیه رسانه های مجازی و ارتباطی اعمال می گردد که نتیجه ی آن اولاً: کاهش میزان و گستره ی فعالیت آنها در عرصه اطلاع رسانی و آگاهی بخشی است؛ و ثانیاً پدیده «محافظه کاری درونی / خود سانسوری» را در حوزه رسانه های ترکیه به وجود آورده است. به همین دلایل است که عملکرد رسانه های مجازی و ارتباطی در تقویت و تکمیل فرآیند دموکراتیزاسیون ترکیه، به میزان قابل ملاحظه ای کاهش یافته است.

مع هذا، در جامعه ترکیه به دلیل اینکه دارای ساختار حزبی نسبتاً قوی و تقریباً نهادینه شده است، و سوژه های انسانی هنوز گرفتار «تفرد محض» نشده اند و امکان شکل گیری «مای سیاسی» و «کنش مشترک» نسبتاً وجود دارد؛ امکان رهایی وجود دارد. اتفاقات چند ماه اخیر ترکیه یعنی برگزاری انتخابات شهرداری در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۱۹ و تکرار آن در تاریخ ۲۳ ژوئن ۲۰۱۹؛ نشان داد که جامعه مدنی ترکیه همچنان فعال است و رسانه ها تماماً تحت سلطه و منقاد ساختار سیاسی نیست. پیروزی نامزدهای بلوک اپوزیسیون در کلان شهرهایی نظیر استانبول، آنکارا و ازمیر، بار دیگر این جمله را در اذهان تداعی نمود: «فرآیند دموکراتیزاسیون ترکیه در حال حرکت و دموکراسی همچنان زنده است».

منابع

- اسدی، عباس (۱۳۹۶)، «روزنامه نگاری ایران؛ بی آرمان و بی پیام زمان»، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۶، ۱۰، ۱۶
- توغال، جهان (۲۰۱۶)، سقوط مدل ترکیه، مترجمین: محمود شوشتری، رضا جاسکی، نشر لیبرالیسم ورسو: لندن- نیویورک.
- چاغاپتای، سونر (۱۳۹۷)، سلطان جدید؛ اردوغان و بحران ترکیه مدرن، نشر: نسل نو اندیش، تهران.

- خبرگزاری مهر، «انتخابات ترکیه: حزب عدالت و توسعه و سقوط رتبه ترکیه در آزادی بیان و مطبوعات» ۱۶ خرداد ۱۳۹۴
- داراب‌زاده، عاطفه، وثوقی، سعید، قربانی، محمد (۱۳۹۲)، «بررسی فرصت‌ها و چالش‌های گذار به دموکراسی در ترکیه، از دهه ۱۹۸۰ تا کنون، از منظر نظریه سازه‌انگاری»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲، صص: ۲۶-۴۸.
- رحمانی دهکری (۱۳۹۴)، «فریادهای مجازی به گوش کسی نمی‌رسد»، مصاحبه با عطنا، ۱۱/۱۱/۱۳۹۴.
- قاضی‌زاده، حسن (۱۳۹۷)، گذارها به دموکراسی، نشر: اختران، تهران.
- قلی‌پور، مجتبی (۱۳۹۲)، «ریشه‌های بحران سیاسی-اجتماعی اخیر در ترکیه»، دسترسی در: www.iras.ir
- الکسا، رابرتسون (۱۳۹۷)، رسانه و سیاست در دنیای در حال جهانی شدن، مترجم: محسن گودرزی، نشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران.
- بوستانی، مهدی، پولادی، کمال (۱۳۹۶)، «بررسی عناصر تشکیل دهنده حوزه عمومی در اندیشه هابرماس»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره ۳۸، بهار ۱۳۹۶.
- پدرام، مسعود (۱۳۸۸)، «سپهر عمومی: روایتی دیگر از سیاست»، تهران: انتشارات یادآوران
- محبی، بهرام (۱۳۹۸)، «شگردهای نئولیبرالیسم برای مسخ آزادی»، وب‌سایت: رادیو زمانه، ۶ خرداد ۱۳۹۸.
- چول‌هان، بیونگ (۱۳۹۳)، «چرا امروز دیگر انقلاب ممکن نیست»، ترجمه: فرهاد سلمانیان، وب‌سایت: رادیو زمانه، ۱۶ آبان ۱۳۹۳.
- منابع لاتین

- Bora, Tanıl, (2017), "*Cereyanlar; Türkiye,de Siyasi Cereyanlar*", İletişim Yayınları, İstanbul.
- Ergun Özbudun, (2014) "*AKP at the crossroads: Erdoğan's Majoritarian Drift*", South European Society and Politics, V:19, N:2.
- Şen, İlker Gökhan (2013), "Demokrasi ve Siyasal Katılım", Heinrich Böll Stiftung derneği Türkiye Temsilciliği\ Ezgi Ofset.
- Hatem Ete, "*The Political Reverberations of the Gezi Protests*", Insight Turkey, V:15, N:3, 2013, s.17.
- Yeşim Arat, "*Violence, Resistance and Gezi Park*", International Journal of Middle East Studies, V:45, I:4, November 2013, ss.807-808.
- "Milli İradeye Saygı Mitingleri", **Hürriyet**, 12.06.2013, <http://www.hurriyet.com.tr/milli-iradeye-saygi-mitingleri-23486341>.
- 7 sabah, 29.01.2019